

تأثیر تسهیلات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر بر
عدالت اجتماعی ادراک شده
(مطالعه موردی شهر اصفهان)^۱

اعظم طاهری،* وحید قاسمی،** مسعود کیانپور،***

مقدمه: در جامعه ما به‌طور خاص، یکی از موضوعات حساس اجتماعی که با بحث عدالت اجتماعی گره خورده، بحث مربوط به امتیازات یا تسهیلات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر است. این پژوهش با هدف بررسی رابطه تسهیلات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر و عدالت اجتماعی ادراک شده صورت گرفته است.

روش: پژوهش حاضر با روش کمی (پیمایش) و ابزار پژوهش پرسشنامه عدالت اجتماعی راسینسکی و پرسشنامه محقق ساخته انجام شده و از نوع مطالعات همبستگی می‌باشد که در بین ۳۱۰ نفر از فرزندان شاهد و ایثارگر و افراد غیرشاهد و ایثارگر ۲۵-۲۰ ساله استان اصفهان به شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای اجرا شده است.

یافته‌ها: رابطه مثبتی بین تسهیلات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر و عدالت اجتماعی ادراک شده از سوی مردم وجود دارد. به این معنا که افزایش یا کاهش هر کدام از متغیرهای مستقل، بر میزان عدالت ادراکی مردم تأثیر دارد. همچنین فرزندان شاهد و ایثارگر نگرش مثبت‌تری نسبت به عدالت اجتماعی ادراک شده در مقایسه با افراد غیرشاهد و ایثارگر دارند.

بحث: مردم ارائه تسهیلات ویژه همانند تسهیلات آموزشی، رفاهی و بهداشتی را حق قانونی فرزندان شاهد و ایثارگر می‌دانند. اما در خصوص ایجاد فرصتهای شغلی توسط دولت برای آنها دچار تردیدند.

کلید واژه‌ها: اصفهان، ایثارگر، خانواده شاهد، عدالت اجتماعی ادراک شده

تاریخ پذیرش:

تاریخ دریافت:

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه اعظم طاهری به راهنمایی دکتر وحید قاسمی و مشاوره دکتر مسعود کیانپور بوده است.

* دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان

** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول)، <v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir>

*** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه اصفهان

مقدمه

موضوع عدالت در عرصه‌های گوناگون مانند اخلاق، فلسفه سیاسی، روان‌شناسی و... مورد بحث قرار گرفته است. در حوزه علوم اجتماعی نیز موضوع عدالت اجتماعی مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته و تعاریف گوناگونی از این مفهوم ارائه شده است. به‌طور ساده می‌توان گفت عدالت اجتماعی به این معناست که افراد در جایگاه مناسب قرار گیرند و بر اساس شایستگیهای خود از امکانات موجود در جامعه بهره‌مند شوند.

در جامعه ما به‌طور خاص، یکی از موضوعات حساس اجتماعی که با بحث عدالت اجتماعی گره خورده؛ بحث مربوط به امتیازات یا تسهیلات ویژه فرزندان شاهد^۱ و ایثارگر^۲ است. پس از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مسئولان کشور جهت ارتقاء سطح زندگی آنها تسهیلات ویژه‌ای را در نظر گرفتند. این قانون مورد پذیرش و استقبال آحاد ملت قرار گرفت و از نگاه عمومی قانونی عادلانه تلقی شد.

به‌طور کلی دو دیدگاه در این زمینه مطرح می‌شود. در دیدگاه اول، حفظ احترام اجتماعی و حقوق عادلانه خانواده شهدا و ایثارگران مدنظر است. اما در دیدگاه دوم، نوعی بی‌حرمتی نسبت به خانواده‌های شهدا نهفته است به‌گونه‌ای که این عزیزان را به‌عنوان کسانی می‌نگرند که در جامعه نمی‌توانند رقابت آزاد داشته باشند و دیگر نگاه عادلانه نیست و رنگ و بوی تبعیض می‌گیرد. بر این اساس باید گفت با وجود اینکه چندین سال از زمان جنگ می‌گذرد؛ آیا بین اعطای این تسهیلات و عدالت اجتماعی رابطه وجود دارد؟ برای پاسخگویی به این سؤال مطالعه‌ای در استان اصفهان و بر روی فرزندان شاهد و ایثارگر و افراد غیرشاهد و ایثارگر صورت گرفت. با توجه به اینکه نه تنها در جامعه ما بلکه در دیگر جوامع مانند عراق، ترکمنستان، تاجیکستان، هند، کره جنوبی و شمالی، لیبی، کویت، کوبا، کانادا، و... برای کسانی که در جنگ حضور داشته‌اند و خانواده‌های آنها

1. Martyr
2. Veteran

امکانات و امتیازاتی مانند تأمین مسکن، خودرو، افزایش حقوق و تأمین اجتماعی و... تدارک دیده شده، به نظر می‌رسد که برخی از افراد جامعه این امتیازات را ناعادلانه دانسته و چنین افرادی را مستحق دریافت این خدمات نمی‌دانند. لذا به نظر می‌رسد بررسی درک عدالت^۱ بر اساس این امتیازات در بین افراد شاهد و ایثارگر و مقایسه آن با درک افراد غیرشاهد در جامعه مهم باشد.

مبانی نظری

مفهوم عدالت را از جمله ارزشهای عمده بشری می‌دانند که درباره آنها توافق عام نسبی میان افراد و جوامع وجود دارد (گراهام^۲، ۱۹۸۹). درباره معنا و تقسیم‌بندی مفهومی عدالت، بیشترین تلاشها در حوزه فلسفه سیاسی صورت پذیرفته، چرا که عدالت از گذشته یکی از ارزشهای بنیانی علوم سیاسی بوده است به نحوی که تمایل و موضوع اصلی در کتاب‌های کلاسیک (جمهوری افلاطون و سیاست ارسطو) معطوف به همین مفهوم بوده است (به نقل از میرسندهی، ۱۳۷۵). دیوید میلر (۱۹۸۹) با توجه به همین نگرش تاریخی، سه پیش فرض را معرفی می‌کند که باید پیش از تعریف اصول عدالت اجتماعی به آنها توجه داشت: اول، بایستی یک جامعه دارای حدود مشخص با تعداد اعضای معین وجود داشته باشد به گونه‌ای که سهم و نقش یک فرد در ارتباط با سهم و نقش سایر افراد آن جامعه قابل تعریف باشد. دوم، باید یک ساختار نهادی معین و قابل تعریف وجود داشته باشد که اصول عدالت در چارچوب آن قابل تحقق باشد و البته این ساختار در راستای این اصول ایده‌آل قابل تغییر و اصلاح باشد. سوم، باید یک عامل کارگزار (به‌طور سنتی همان حکومت یا دولت) وجود داشته باشد که تغییرات نهادی لازم برای برقراری عدالت اجتماعی را طرح ریزی و هدایت کند (جکسون^۳، ۲۰۰۵).

1. Perceived Social Justice

2. Graham

3. Jackson

در حیطه فلسفه سیاسی دو گرایش اصلی در مورد عدالت اجتماعی وجود دارد، یکی عدالت‌خواهی معطوف به خود (عدالت‌خواهی با گرایش خود) و دیگری عدالت‌خواهی معطوف به دیگران و اجتماع (عدالت‌خواهی با گرایش اجتماعی) (سیم و نانکارو^۱، ۲۰۰۲). از نظر راند (۱۹۶۱) عدالت اجتماعی وقتی برقرار می‌شود که اصول اخلاقی بر روابط انسانی، تنها شامل اصل مبادله و تجارت باشد. اما از سوی دیگر، ساندل از دیدگاه‌های فردگرایانه در رابطه با عدالت اجتماعی انتقاد می‌کند؛ به این دلیل که در این دیدگاه‌ها انسان صرفاً به‌عنوان موجود دارنده حق معرفی می‌شود و از دولت عشق و محبت هم‌نوعان خود بی‌نصیب می‌افتد و از هم‌زیستی با آنان لذتی نمی‌برد (عریضی و گل‌پرور، ۱۳۸۵).

هگوت و مارکوفسکی نیز موضوعهای عدالت را در دو سطح فردی و اجتماعی تقسیم‌بندی کرده‌اند. در سطح فردی فریاد بی‌عدالتی افراد زمانی بلند می‌شود که منافی را که آنها دریافت می‌کنند، آن چیزی نیست که مورد انتظار آنهاست (کوک و دیگران^۲، ۱۹۹۵؛ به نقل از میرسندسی، ۱۳۷۵). اگر مفهوم عدالت را در سطح جامعه تعریف کنیم به مفهوم عدالت اجتماعی می‌رسیم که به معنی دادن جایگاه شایسته به هر کس و دادن حق به افراد ذی‌حق است. به‌طور کلی مفهوم عدالت اجتماعی این است که نظام اجتماعی باید به‌گونه‌ای باشد که اولاً هرکس به تناسب شایستگی خود از خیرات اجتماعی برخوردار شود و ثانیاً فرصت‌های اجتماعی به تناسب لیاقت و توانمندیهای افراد و بدون لحاظ روابط قومی و قبیله‌ای و نژادی و... به آنان تعلق گیرد و ثالثاً قوانین اجتماعی، بدون تبعیض برای همگان اعمال شود (گلستانی، ۱۳۸۵). با توجه به مباحث فوق می‌توان چنین بیان کرد که مفهوم عدالت یکی از مفاهیم فراگیر در تمام جوامع بشری بوده و ارائه تعریف جامعی از آن کار بسیار مشکلی است. مکاتب فکری تعاریف و نظریه‌های گوناگونی را برای این مفهوم ارائه داده‌اند که گاه متناقض و ناهمخوان است. این مفهوم امروزه بسیار مورد توجه

1. Syme and Nancarrow
2. Cook

مکاتب جامعه‌شناسی و فلسفه سیاسی غرب قرار گرفته است.

بر اساس منابع موجود، افلاطون و ارسطو از نخستین اندیشه‌ورانی بودند که درباره عدالت و راههای تحقق آن در غرب، آثاری از خود بر جای گذاشتند. افلاطون بر پایه نظریه مثل عدالت را آن می‌داند که هرکس در هر طبقه‌ای قرار دارد به کار و وظیفه آن طبقه مشغول باشد. وی برابری میان طبقات گوناگون جامعه را لازم نمی‌داند اما در هر طبقه، برابری میان افراد آن طبقه را عادلانه می‌شمارد و ارسطو، شاگرد افلاطون، عدالت را رفتاری برابر با افراد برابر و رفتاری نابرابر با افراد نابرابر می‌داند (گراهام، ۱۹۸۹). بنابراین اندیشه در باب عدالت عمری به طول خود اندیشه دارد (باقری، ۱۳۸۵). در فلسفه سیاسی یکی از مشکلات درباره مفهوم عدالت گستردگی تعاریف و برداشتهاست و به گفته پرلمان «در میان بسیاری از مفاهیم معتبر، عدالت مقامی رفیع دارد اما دچار ابهامی لاعلاج است. عدالت در یک کفه و دیگر فضیلتها و ارزشها در کفه دیگر قرار دارند». از نظر وی باید تلاش شود واقعی‌ترین معنای اصطلاحات و مفاهیمی همانند عدالت که دارای وجه تکاملی و پویایی هستند به دست آید (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹).

در باب مفهوم عدالت اجتماعی به‌ویژه در مغرب زمین باید گفت که تاریخ عدالت‌خواهی با دو مکتب بسیار مهم تکمیل و تداوم یافته است و این دو نهضت عبارتند از لیبرالیسم و سوسیالیسم. لیبرالیسم از اندیشه‌ها و فلسفه‌های سیاسی و معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی خاصی آغاز شد که نهایتاً به مشروط کردن قدرت مطلقه انجامید. نقطه حمله دموکراسی، «قدرت» بود و شاخصه مهم عدالت نزد آن «توزیع عادلانه قدرت» به شمار می‌آمد. سوسیالیسم در قرن نوزدهم آغاز شد و در اوایل قرن بیستم به بار نشست. عدالت‌جویی سوسیالیسم بیشتر معطوف به «ثروت» و قدرت ناشی از ثروت و اشرافیت و مالکیت و تبعیض طبقاتی بود و شاخصه‌های مهم عدالت اجتماعی نزد او «توزیع ثروت» محسوب می‌شد (باقری، ۱۳۸۵).

به هر حال، در مجموع می‌توان تصریح کرد که مهم‌ترین وجه عدالت اجتماعی در

اندیشه غرب به چگونگی توزیع عادلانه منابع کمیاب جامعه، یعنی قدرت، ثروت و حیثیت ناظر است. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان چنین بیان کرد که مفهوم عدالت در غرب با نگاه دینی ما به عدالت بسیار متفاوت است. عدالت در نگاه دینی ما بخشی ضروری از جامعه اسلامی است. بحث عدالت در اسلام به رفع محرومیت و از بین بردن فقر و استفاده تمامی افراد جامعه از فرصتها و امکانات عمومی منتهی می‌شود؛ اما در غرب عدالت را به‌عنوان فضیلت در نظر گرفته و عدالت مقدم بر سایر فضائل است. در واقع انسانی عادل است که به همه فضائل آراسته باشد اما در رأس همه این فضائل عدالت را هم داشته باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت در غرب نگاه به عدالت منفعت‌طلبانه است و ارزش و اعتباری ندارد و فقط انسان را به کامجویی‌های مادی نزدیک‌تر می‌کند؛ اما در اسلام، عدالت نه تنها برای کسب منافع مادی نیست بلکه برای رسیدن به اهداف والای انسانی و الهی مطرح شده است.

عدالت اجتماعی در اسلام بر مبنای اصول انسانی استوار است یعنی اسلام همه افراد را انسان می‌داند به همین جهت ظلم و بی‌عدالتی را نسبت به هیچ کس، حتی کافر نمی‌پذیرد. از طرف دیگر سجایای اخلاقی و احساسات نیکوی انسانی را برای هر فرد ضروری و آراستگی انسان را بدین ملکات و عواطف که نشان‌دهنده جنبه‌های انسانی است، لازمه اسلام حقیقی و از تعالیم قرآن می‌شمارد با نگاهی کوتاه به آیات قرآن کریم و روایات نبوی و علوی و نیز سیره سیاسی اجتماعی اولیای الهی، اهمیت و جایگاه رفیع عدالت اجتماعی در اسلام روشن می‌شود. در برخی آیات، از تحقق عدالت اجتماعی، به‌عنوان یکی از اهداف ارسال انبیاء الهی یاد شده است^۱ (گلستانی، ۱۳۸۸). زیرا در فرهنگ اسلامی، فرد و جامعه در تعامل با یکدیگر و دارای حقوق متقابل نسبت به همدیگرند (باقری، ۱۳۸۵). هدف اسلام از تحقق عدالت اجتماعی را باید در هدف آفرینش انسان جستجو کرد که همان عبادت و بندگی و رسیدن به

۱. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید/۲۵)

مقام قرب الهی است (شاهجویی، ۱۳۷۵). با تحقق عدالت اجتماعی و حاکمیت روابط عادلانه بر زندگی اجتماعی انسان، بستر مناسب برای شکوفایی استعداد های انسان و انجام اعمال عبادی و رشد معنوی انسان فراهم می شود و به تعبیر شهید مطهری عدالت در اعمال و اخلاق مردم و حتی در افکار و عقاید مردم تأثیر دارد (مطهری، ۱۳۵۷). رعایت عدالت اجتماعی در سیاست گذاری یک حکومت و یک نظام وسیع بین المللی، اولین بار در تاریخ، از طرف امام علی (ع) و پس از شکست امپراتوری های ایران و روم و فتوحات مسلمین در قاره های آسیا و آفریقا پایه گذاری شد. از دیدگاه امام علی (ع)، عدالت اجتماعی یک اصل همگرا و مشروع حکومتی است و همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اداری و سازمانی را در بردارد. یک نظریه و مطالعه تطبیقی نشان می دهد که چنین دیدگاه و اصل نظری همگرایی در نظام های باستانی و حکومت های غیراسلامی قرون وسطا موجود نبوده است. جهان سازی اسلامی حضرت علی (ع) با عدالت اجتماعی آغاز می شود و اندیشه سیاسی متفکران اسلامی، چه شیعه و چه سنی، در طول تاریخ با مفهوم عدالت اجتماعی جریان می یابد. عدالت اجتماعی در نهج البلاغه به صورت یک فلسفه و نظریه اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار می گیرد و به صورت یک ناموس بزرگ اسلامی جلوه می کند (مطهری، ۱۳۵۷). چنانچه به مالک اشتر می فرماید هرگز مانند حیوان شکاری نباش که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش. از طرفی قرآن می گوید نسبت به آنها هم نباید بی عدالتی کرد، چون عدالت یک اصل است، نه تنها اصل انسانی بلکه اصل جهانی، یعنی انسان حق پرست نمی تواند ظالم باشد. ظلم منفی است ولو در مورد دشمنی که کافر باشد (مطهری، ۱۳۶۷). به طور کلی می توان چنین بیان کرد که عدالت اجتماعی در محتوای جامعه اسلامی جای دارد و یکی از ارکان اسلامیت جامعه، تحقق آن است و بدون تأمین عدالت اجتماعی، جامعه ما اسلامی نخواهد بود. اگر کسی تصور کند که ممکن است دین الهی و واقعی نه فقط دین اسلام تحقق پیدا کند ولی در آن عدالت اجتماعی به معنای صحیح و وسیع آن تحقق پیدا نکند باید بداند اشتباه کرده است؛

زیرا اسلام عدالت اجتماعی را اصلی مهم برای شکل‌گیری خط‌مشی اقتصادی خود می‌داند. افراد بسیاری در مورد عدالت دیدگاه‌های خود را مطرح کرده‌اند. به‌عنوان نمونه عدالت در نظر افلاطون عبارت از نوعی استعداد و تمایل درونی در انسان است که با احساسات و انگیزه‌های شدید فرد برای منافع خصوصی مبارزه می‌کند و بشر را از انجام کارهایی که ظاهراً به نفعش تمام می‌شوند ولی مورد نهي وجدانش هستند باز می‌دارد (میرطاهری، ۱۳۸۷). به نظر افلاطون، عدالت هنگامی در دولت مسلط است که هر یک از آحاد دولت-شهر، کار خود را انجام دهند و آنچه که دولت را چونان پیکره‌ای واحد حفظ و از فروپاشی آن جلوگیری می‌کند، فضیلت عدالت است. به این اعتبار، برای افلاطون تنها آن نظامی عادلانه است که تفاوت بزرگ فکری و اخلاقی میان انسانها را به رسمیت بشناسد (ویستا، ۱۳۹۳).

ارسطو فضیلتها را تقسیم‌بندی کرده و مهم‌ترین آنها را عدالت و دوستی می‌داند. او عدالت را از عرصه اخلاقیات به عرصه‌های اقتصادی و در بحث امور مبادلات، معاملات، قیمت، سود، بهره و ربا تعمیم داده است (کوک و دیگران، ۱۹۹۵). ارسطو عدالت را رأس فضایی می‌داند که تحقق بخش نیک‌بختی بشر و شامل همه فضایل است و عدالت اجتماعی بر قانون مبتنی است و در باب مردمانی مصداق می‌یابد که در بین آنها بنا بر طبیعت جایی برای قانون باشد و اینان کسانی هستند که در اداره کردن و اداره شدن سهم برابر دارند. او بخشی از عدالت اجتماعی را طبیعی و بخش دیگر را قانونی می‌داند. عدالت طبیعی در همه جا قدرت برابر دارد و به موافقت و مخالفت آدمیان وابسته نیست، ولی در مورد عدالت قانونی ممکن است مقررات تغییر کند لیکن پس از آن که مقررات وضع شد تکلیف‌آور است (واعظی، ۱۳۸۸).

نظریه عدالت رالز، کوششی برای تحدید و تعریف روشی منصفانه برای داوری درباره

محتوای عدالت است. به همین سبب وی نظریه عدالتش را «عدالت به مثابه انصاف»^۱ می‌نامد، زیرا منصفانه بودن^۲ شرایط وضع نخستین و روش تصمیم‌گیری درباره محتوای عدالت، سنگ بنای اصلی نظریه عدالت اوست (واعظی، ۱۳۸۸). روش پیشنهادی رالز برای دستیابی به محتوای عدالت اجتماعی، متکی بر تصور اوضاع خاصی به نام وضع اصیل^۳ است. از نظر رالز اصول عدالت از دو اصل پایه تشکیل می‌شود که ساختار اساسی جامعه و نظام توزیع در همه ساحت‌های جامعه بر اساس این دو اصل پی‌ریزی شود. اصل اول عدالت، اصل آزادی است که از نظر وی مقدم بر اصل دوم یعنی اصل تمایز است. مفاد اصل اول آن است که همه افراد جامعه باید به‌طور یکسان و برابر از این آزادی‌های اساسی بهره‌مند باشند. مفاد اصل تمایز به اختصار آن است که همه خیرات اولیه اجتماعی که شامل اموری نظیر درآمد، ثروت، آموزش، مناصب سیاسی و اجتماعی، فرصت‌های شغلی و اقتصادی و سایر مزایا و مواهب اجتماعی است باید به‌طور برابر در میان افراد جامعه توزیع شود (واعظی، ۱۳۸۴).

از نظر والتزر موضوع عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه را خیرات اجتماعی که معانی متفاوتی دارند تشکیل می‌دهند. همچنین از نظر او مخالفت با برقراری عدالت اجتماعی به دلیل عدم اطلاع انسانها از ویژگیهای ژنتیک مانند نژاد، جنس و هوش است و وقتی انسانها از این ویژگیها بی‌اطلاع باشند به دو اصل برابری آزادی و پذیرش نابرابری به شرط بهتر کردن وضعیت زندگی انسان توجه می‌کنند. همچنین او بیان می‌کند که عدالت اجتماعی در جامعه به‌صورت پراکنده وجود دارد و برای بررسی عدالت اجتماعی بهتر است که آنرا در فضاهاى مختلف اجتماعى مورد بررسی قرار داد.

فارابی تأکید می‌کند که هر فرد در مدینه فاضله فقط باید به صنعت خاصی مشغول

1. Justice as Fairness

2. Fairness

3. Original Position

باشد و فقط همان را انجام دهد بی آنکه او این امر را با مقوله عدالت مرتبط سازد. او از چیزی به نام عدالت طبیعی یاد می‌کند که در آن فضیلت هیچ نقشی ندارد. عدالت طبیعی از پایه‌های مدینه‌های غیرفاضله و مبتنی بر پذیرش «حاکمیت قانون طبیعی» است؛ یعنی پذیرش اینکه موجودات به اقتضای طبیعتشان خودخواه، خودبین و در پی جلب منافع و دفع ضررها از خویش هستند و انسان نیز از این قاعده خارج نیست. پس عدالت این است که هر انسانی طبعاً خودخواه و در مقام غلبه بر دیگران برای بقا و خوشبختی خویش است. فارابی بر عنصر استحقاق تأکید می‌کند و توزیع خیرات را بر محور آنچه هر فرد شایسته آن است، عین عدالت می‌داند، بی آنکه به بحث سنجها و مبانی توزیع استحقاقها وارد شده باشد. با توجه به این مطلب می‌توان گفت اعطای حق هر ذی‌حق و توزیع بر اساس استحقاقها فقط جنبه صوری و قالبی عدالت اجتماعی را تأمین می‌کند و به جنبه محتوایی عدالت نمی‌پردازد (واعظی، ۱۳۸۸). به‌طور کلی از نظر فارابی در نزد مردم مدینه فاضله، عدالت به معنای این است که همه به سعادت و خوشبختی دست یابند و هیچ عضوی از اعضای جامعه به حقوق و وظایف دیگری تعدی نکند.

امام خمینی (ره) معتقدند که برای اجرای عدالت در اجتماع نیاز به محیطی است تا در سایه آن عدالت تحقق یابد برای این منظور محیطی مناسب‌تر از حکومت اسلامی که با قدرت بتواند مجری آن باشد وجود ندارد (متقی‌راد، ۱۳۷۸). امام در موارد بسیاری مفهوم عدالت اجتماعی را همراه با مفاهیمی نظیر محرومیت، فقر، اقشار مستمند و تعبیری این چنین بیان نموده‌اند و با الفاظ و واژه‌های مختلف به‌گونه‌ای به ارتباط میان مفهوم عدالت اجتماعی و رفع محرومیت، به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم اشاره داشته‌اند. با دقت در این موارد اینگونه استنباط می‌شود که در اندیشه امام برقراری و تحقق عدالت از یک طرف و رفع محرومیت و تأمین نیازهای اساسی همه اقشار و افراد جامعه خصوصاً طبقات مستمند و کم درآمد از طرف دیگر، از یک قالب کلی و یک نگاه یکسان برخوردار می‌باشد. به عبارت دیگر هسته مرکزی تفکر امام پیرامون مسأله عدالت را مفهوم «برابری» و «تأمین

نیازهای اساسی» تشکیل می‌دهد (باقری، ۱۳۸۵).

از دیدگاه استاد مطهری، اصل عدالت یکی از اصول اصلی مذهب شیعه و همان عدل الهی و عدالت فردی زیربنای عدالت اجتماعی است. ایشان معتقدند قوام عدالت اجتماعی و فردی، فرهنگ اسلام و ایمان به خداوند است و برای اجرای عدالت دو چیز لازم است. یکی بیداری شعور عامه به اینکه حقوق خود را حفظ کنند یا ایمان به اینکه از خدا تجاوز نکنند و دیگری ایمان اقویا. او برداشت رادیکال از عدالت را رد می‌کند و آنرا مغایر با موازین عقل و شرع می‌داند و می‌فرماید: معنای عدالت این نیست که افراد هیچ تفاوتی نداشته باشند و هیچ کس نسبت به دیگری رتبه و درجه و امتیازی نداشته باشد. معنای عدالت این است که امتیازاتی که نصیب افراد می‌شود بر مبنای صلاحیت و استحقاق و برنده شدن در مسابقه عمل و صلاح در زندگی باشد (اخوان ارمکی، ۱۳۸۲). شهید مطهری معتقد است اوضاع عمومی و بود و نبود عدالت اجتماعی در اعمال و اخلاق مردم حتی در افکار و عقاید آنها تأثیر دارد. ایشان اعتقاد دارد اگر حقوق مردم محفوظ و جامعه عادل و متعادل باشد و تبعیض، محرومیت و احساس مغبونیت در مردم نباشد عقاید و اخلاق پاک، صفای قلب و اعمال خوب بیشتر می‌شود و زمینه برای وقوع معاصی و اخلاق رذیله و شیوع عقاید ناپاک کمتر است. بنابراین ایشان عدالت را دارای تأثیر مستقیمی در اخلاق مردم دانسته و لذا بود و نبود آنرا در هر سه عرصه فکر و عقیده، خلق و ملکات نفسانی و هم چنین در مرحله عمل مؤثر می‌داند (طغیانی، ۱۳۸۱).

دورکیم بسیار تحت تأثیر جمهوری افلاطون بود. او معتقد است وجود نابرابریهای اجتماعی سبب می‌شود که مردم در جامعه سیاسی قواعد را نادرست و ناعادلانه بدانند و در نتیجه التزامی به آنها نداشته باشند. نتیجه چنین وضعی آنومی سیاسی است (مردانی، ۱۳۸۶).

مارکس و امدار تأکید ارسطویی بر ویژگی اجتماعی بودن انسان است. او علیه ایدئولوژی نظم رو به رشد بورژوایی و فردگرایی آن و برداشت جزءنگرانه و تجزیه‌گرای آن از طبیعت انسان موضع می‌گیرد. از نظر وی افراد به‌عنوان مخلوقات اجتماعی تحت

شرایط مناسب می‌توانند به تقویت ویژگی اجتماعی حیات خویش پردازند. علاوه بر این یک نظم اجتماعی پا به عرصه وجود می‌گذارد که به جای فردگرایی خود محور افراطی جهان بورژوازی که اقدام به قشربندی جامعه در گروه‌های متخاصم می‌کند، یک نظم اجتماعی مساوات طلب را می‌نشانند که این نظم به‌گونه‌ای از عهده یک جامعه قشربندی شده بر نمی‌آید و هم تکامل انسانی و هم خودمختاری تمامی انسانها را تقویت می‌کند (مردانی، ۱۳۸۶).

هومنز در بیانی نزدیک به ارسطو اظهار می‌دارد که قاعده عدالت آن قاعده‌ای است که پادشاهای انسان در مبادله با دیگران متناسب با سرمایه‌گذاری او باشد. سرمایه‌گذاریها می‌تواند ویژگیهای مقدر (محول) نظیر جنس و نژاد باشد و یا ویژگیهای محقق که شامل آنهایی است که در همه اوقات ارزش اکتسابی دارند (مثل ارشدیت در کار) و یا آنهایی که در مبادله‌های بی‌واسطه سهم می‌شوند (مثل ساعات کار شده و یا چیزهای تولید شده). از این منظر عدالت توزیعی زمانی وجود دارد که پادشاه با سرمایه‌گذاریها در یک ردیف قرار گیرند، به استثنای جایی که مشارکت در مبادله متضمن هزینه‌هایی بیش از سرمایه‌گذاری باشند (میرسندسی، ۱۳۹۰).

رانسی من یکی از نظریه‌پردازان دیدگاه محرومیت نسبی است. از نظر او احساس کمبود نسبی یا بی‌عدالتی نسبی وقتی پدید می‌آید که انسان یک وسیله ارضاء نیاز را ببیند و ادراک کند، ببیند که افراد دیگر آن وسیله را در اختیار دارند و او نیز میل به داشتن آن کند اما امکان به‌دست آوردن آنرا نداشته باشد (رفیع پور، ۱۳۷۰).

کوک معتقد است کوتاهی در فهم انصاف ناشی از عدم فهم انتظارات درباره موقعیتها و مراتب اجتماعی است. بنا به نظر او در شرایطی که فرد انتظارات به خوبی تعریف شده در ارتباط با موقعیت یا مرتبه خود را می‌داند وقتی که توقعات پاداش مختل می‌شود، فرد وضعیت را به‌عنوان غیرمنصفانه توصیف می‌کند و زمانی که پادشاهای توزیع شده را به‌عنوان منصفانه بپذیرد تلاش خود را خواهد کرد. گنجاندن مفهوم ساختار مرجعی در

بسط ارزیابیهای عدالت قصور عمده‌ای از فرمول‌بندیهای مبادله درباره عدالت یعنی تأکید انحصاری آنها بر مقایسه‌های بین افراد را آشکار می‌سازد. چنین مقایسه‌های صرفاً مکانی مانع از در نظر گرفتن شرایط متعارف اجتماعی با درآمدهایی که ممکن است به این نحو ارزیابی شده باشد، می‌گردد (میرسندسی، ۱۳۹۰).

همانطور که قبلاً اشاره شد در جامعه ما یکی از موضوعات حساس اجتماعی که با بحث عدالت اجتماعی گره خورده، بحث مربوط به امتیازات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر است. از آنجا که بسیاری از کشورها در حافظه تاریخی خود، تجربه حداقل یک بار جنگ را ثبت کرده‌اند. تاریخ همیشه شاهدهی آگاه بر این جنگها بوده است و این وقایع را به نوعی تحلیل نموده است. روابط صلح‌آمیز در پذیرش طرفین از انتظارات یکدیگر است و آنگاه که یکی از طرفین این انتظارات را برنتابد، روابط متغیر شده و در آخرین مرحله ممکن است به جنگ منتهی شود. جنگ صرف‌نظر از مسائل ارزشی و احقاق حقوق انسانی، هیچ‌گاه مورد خواست ملتی نبوده است. لکن زمانی که کشوری در موضع دفاع از امنیت و منافع ملی خود قرار گیرد و ناگزیر از جنگ گردد آن‌گاه این جنگ نه یک ستیز بلکه دفاعی ارزشمند محسوب می‌شود (شاه‌وردی، ۱۳۹۲). می‌یر معتقد است تمام رفتارهای بشری از معیارهای عقلانی خاص خود که از پیوند اهداف فرهنگی و مقاصد ویژه جنگ‌طلبی تشکیل می‌شود پیروی می‌کنند. در پشت آن نوع انگیزه‌های رفتاری که از فرهنگ نشأت می‌گیرند، انگیزه عام و جهانی انسانی را که دارای زندگی اجتماعی است می‌توان شناخت و آن عبارت است از ایجاد هویتی که تعلق به افراد هم‌گروه را به نمایش می‌گذارد و افرادی را که به گروههای دیگر تعلق دارند به‌عنوان بیگانه از خود طرد می‌نماید (می‌یر، ۱۳۷۵). در بسیاری از جنگها این مسأله به لحاظ اخلاقی مدنظر قرار دارد و حتی مصمم‌ترین صلح‌طلبان نیز بدان اعتقاد دارند که جنگ تحسین‌گر فضایل هیجان‌آور و اصیل است و نیز شهامت، فداکاری، وفاداری، دوستی و درستی در میان جنگجویان همیشه زیانزد فرهنگها بوده است. دانش بشریت در طول قرون متمادی اعتقاد به فضایل اخلاقی جنگ داشته

است. در جوامع متکی بر نظام کاستها، یا جوامعی که انواع سلسله مراتب بدین نظام می‌گیرند، فضایل جنگی در انحصار دستجاتی است که جنگجویی و جنگاوری به صورت موروثی از پدر به پسر منتقل می‌شده است. این جوامع با دقت قابل توجهی در پرورش و تربیت نسل جنگجو می‌کوشند و اشعار و قصه‌های حماسی آنها سراسر از احساس افتخار، مردانگی و شجاعت و رشادتهای جنگجویان کشورشان است. آنها خود را تنها امین این فضایل می‌دانند و رفتارشان شاهد صادق این مدعاست (بوتول، ۱۳۷۰).

نسل جدید باید بداند آسایش و امنیت امروز او مرهون ایثارگریها و فداکاریها و شهادت کسانی است که این موقعیت را برای او فراهم نموده‌اند. این ارزشها به صورت گوناگون باید در نسلهای جامعه جاری شود. لذا مکانیزمهای این جریان با توجه به سطح فرهنگ جامعه قابل تعریف است و در جوامع مختلف به تناسب برخورداری از امکانات سازوکارهای متفاوتی برای انتقال ارزشها تعریف شده است. احداث موزه‌های گوناگون و به نمایش گذاشتن آثار به جای مانده شخصی رزمندگان و فرماندهان معروف و مشهور، آلات و ادوات جنگی، احداث مجسمه‌ها و سنگ‌نوشته‌های حاوی اطلاعات یا نام درگذشتگان جنگ، تابلوهای نقاشی، بناهای یادبود، حفظ آثاری از تخریب شهرها و... همه نشان‌دهنده تلاش و کوشش انسانها برای حفظ و نگهداری ارزشها و آثار جنگها به شمار می‌رود (فروغی، ۱۳۷۱).

عمده بازماندگان جنگی در کشورهای مختلف متعلق به جنگ جهانی دوم می‌باشند. زیرا این جنگ هم به لحاظ ابعاد و وسعت دامنه جنگ و هم تعداد کشته‌شدگان بزرگ‌ترین جنگ تاکنون محسوب می‌شده است. لذا بخش قابل توجهی از بازماندگان جنگ در کشورهایی که درگیر جنگ جهانی بوده‌اند به این نسل تعلق دارند. به تناسب میزان بازماندگان جنگی در هر کشور فعالیتهای مختلفی برای بزرگداشت و تکریم آنها در نظر گرفته می‌شود.

آذربایجان دارای حدود ۷۰۰۰ معلول جنگی و یک میلیون آواره می‌باشد. متولی

رسیدگی به امور جانبازان در این کشور کانون بازنشستگان جنگ جهانی دوم و هشت سازمان و بنیاد غیردولتی است. همچنین شعبه ویژه‌ای در ریاست جمهوری و هیأت دولت وجود دارد که امور مربوط به تأمین اجتماعی بازنشستگان و معلولان جنگ را نظارت و اجرا می‌کند. خدمات ارائه شده به بازماندگان جنگها در آذربایجان در قالب پرداخت حقوق و مزایا به خانواده‌های قربانیان، ایجاد اشتغال و کارپایی، ارائه امور آموزش و پرورش، تعاون و امور اجتماعی و خدمات عمومی از قبیل استفاده از وسایل نقلیه به صورت رایگان به استثنای بلیط هواپیما، کشتی و تاکسی می‌باشد.

آلمان (مسبب جنگ جهانی دوم) تسهیلات ویژه‌ای برای فرزندان قربانیان و مفقودان جنگی قائل شده است و سعی نموده فرزندان این افراد در محیطی دور از خانواده‌شان صدمه دیده‌شان تربیت شوند، لذا در سالهای پس از جنگ مراکز تأسیس شد که کار تعلیم و تربیت این کودکان را به عهده گرفتند و امکانات این مراکز به گونه‌ای بود که تمامی خانواده‌ها و زنانی که شوهرانشان را در طول جنگ از دست داده بودند با میل و اشتیاق فرزندان خود را به این مراکز می‌سپردند. همچنین در زمینه ارائه خدمات رفاهی و اجتماعی به خانواده قربانیان جنگ می‌توان از اختصاص صندلی ویژه برای معلولان، پیش‌بینی تردد آنها به ساختمانها و فروشگاهها، اختصاص محله‌ای ویژه پارک اتومبیل در خیابان و پارکینگهای عمومی را نام برد.

در کشور آمریکا هر فردی از هر ملیتی که در نیروهای مسلح آمریکا باشد، تحت حمایت سازمان سربازان کهنسال و معلول آمریکایی قرار می‌گیرد. این سازمان برنامه‌هایی را برای افراد تحت پوشش اجرا می‌کند از جمله، صندوق اعانه بلایا برای حمایت هنگام بلایای طبیعی، رسیدگی به سربازان کهنسال‌تر، وابستگان شامل همسر، کودکان، فرزندخواندگان و شوهر زنانی که در جنگ حضور داشته‌اند تحت پوشش قرار می‌گیرند، تأمین مسکن، خودرو، افزایش حقوق و تأمین اجتماعی و....

در کشورهای دیگر همچون عراق، ترکمنستان، تاجیکستان، هند، کره جنوبی و شمالی،

لیبی، کویت، کوبا، کانادا، و... به همین نحو که در مورد کشورهای فوق عنوان شد امتیازات خاصی به ایثارگران به تناسب نیازهایشان ارائه می‌گردد. با توجه به مطالب مطرح شده باید گفت از یک سو بین کمک به ایثارگران و توسعه‌یافتگی کشورها، رابطه تنگاتنگی وجود دارد و هر قدر کشورها از رشد و توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری برخوردار باشند امکان خدمات‌دهی افزون‌تری به ایثارگرانشان خواهد بود از سوی دیگر با نگاهی به تاریخ برخی از کشورها که حدود نیم قرن از جنگ‌های میهنی و استقلال‌طلبانه آنها می‌گذرد، همچنین کشورهایی که هر روز به دلایل سیاست‌های دولتمردان آنها با بهره‌گیری از امکانات نظامی و نیروی انسانی خود ردپایی از جنگ و خونریزی در نقاط مختلف جهان به جای می‌گذارند، تداوماً سیاستها و روشهای جدیدی برای بزرگداشت نیروهای نظامی، آسیب‌دیدگان جنگها و خانواده‌های کشته‌شدگان خود اتخاذ می‌نمایند (شاه‌وردی، ۱۳۹۲).

پیشینه پژوهش

رضاپور (۱۳۷۵) و میرسندسی (۱۳۷۵ و ۱۳۹۰) در تحقیقات خود به موضوع درک عدالت پرداخته‌اند. همچنین غیاثوند (۱۳۸۵) به وجه آسیب‌شناسانه منزلت اجتماعی خانواده-های شاهد و ایثارگر در قالب رویکرد دلهره منزلت پرداخته است. تحقیقات انجام شده که مرتبط با موضوع پژوهش حاضر باشد بسیار اندک است و در این تحقیقات بحث تسهیلات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است؛ از این جهت می‌توان گفت تحقیق حاضر اولین تحقیقی است که به‌طور خاص به موضوع تسهیلات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر و تأثیر آن بر عدالت اجتماعی ادراک شده می‌پردازد.

فرضیه‌ها

۱- بین تسهیلات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر و عدالت اجتماعی ادراک شده از سوی

- مردم رابطه وجود دارد.
- ۲- بین امکانات آموزشی فرزندان شاهد و ایثارگر و عدالت اجتماعی ادراک شده از سوی مردم رابطه وجود دارد.
- ۳- بین امکانات رفاهی فرزندان شاهد و ایثارگر و عدالت اجتماعی ادراک شده از سوی مردم رابطه وجود دارد.
- ۴- بین امکانات بهداشتی فرزندان شاهد و ایثارگر و عدالت اجتماعی ادراک شده از سوی مردم رابطه وجود دارد.
- ۵- بین فرصتهای شغلی فرزندان شاهد و ایثارگر و عدالت اجتماعی ادراک شده از سوی مردم رابطه وجود دارد.

روش

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات با به‌کارگیری روش پیمایشی از پرسشنامه‌ای با سؤالات بسته استفاده شد. از آنجا که متغیر عدالت اجتماعی ادراک شده، گرایش‌ها و ترجیحات افراد را در زمینه عدالت مورد سنجش قرار می‌دهد به همین منظور برای سنجش آن از طیف لیکرت استفاده شده که بر اساس آن پاسخگو میزان موافقت یا مخالفت خود را با انتخاب یکی از پنج گزینه تربیتی (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم) اعلام می‌کند و جمع نمره‌هایی که فرد از مجموع گویه‌ها به دست می‌آورد نشان‌دهنده گرایش اوست. در ساخت متغیرهای مستقل نیز از طیف لیکرت استفاده شد است. جامعه آماری پژوهش حاضر را تعداد ۱۱۰۰ نفر از فرزندان شاهد و ایثارگر و افراد غیرشاهد و ایثارگر ۲۵-۲۰ ساله استان اصفهان تشکیل دادند. شیوه نمونه‌گیری، سهمیه‌ای و حجم نمونه ۳۱۰ نفر است که از طریق فرمول کوکران به دست آمده است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از پرسشنامه عدالت اجتماعی راسینسکی (۱۹۸۷)^۱ و پرسشنامه محقق ساخته استفاده

نموده و با توجه به اینکه هدف این پژوهش تأثیر تسهیلات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر بر عدالت اجتماعی ادراک شده از سوی مردم و نیز مقایسه درک عدالت در بین افراد غیرشاهد و ایثارگر و فرزندان شاهد و ایثارگر می‌باشد تعداد ۱۹۰ پرسشنامه بین افراد غیرشاهد و ایثارگر و تعداد ۱۲۰ پرسشنامه بین فرزندان شاهد و ایثارگر ۲۵-۲۰ ساله توزیع شد و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی (میانگین، فراوانی و درصد) و استنباطی (آزمون ضریب همبستگی پیرسون) در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

سنجه‌ها

۱) **عدالت اجتماعی ادراک شده (متغیر وابسته):** عدالت اجتماعی عبارت است از حقوق طبیعی و قرار دادی که از سوی جامعه برای همه افراد به رسمیت شناخته شده است و هر فرد از جامعه برای حفظ و بقای خود حق دارد از آن برخوردار شود. به عبارتی فراهم کردن تسهیلات برای پیشرفت آحاد مردم و تحقق سعادت و خوشبختی برای عموم افراد جامعه (صلیبا، ۱۳۷۰).

۲) **رفاه^۱ (متغیر مستقل):** این واژه همواره با تعاریف متعددی روبرو بوده است. در قرن هجدهم جرمی بنتام و دیوید هیوم، رفاه را مترادف با بهره‌مندی یا مطلوبیت و به منزله خیر و خوشبختی تعریف کردند. پیگو^۲ (۱۹۶۵) آنرا مقوله کمی قابل اندازه‌گیری با پول و مرتبط با آمال و آرزوهای فرد در نظر گرفت و سولر^۳ (۱۹۷۴) بر ترجیحات و تمایلات فرد تأکید نمود. جان راولز (۱۹۷۲) هم رفاه را عادلانه بودن توزیع منابع، می‌داند. فیتز پاتریک، رفاه اجتماعی را در معنایی بسیار وسیع در نظر می‌گیرد و آنرا شادکامی، تأمین ترجیحات و نیازها، رهایی و مقایسه‌های نسبی که یک فرد از نظر رفاه خود با دیگران دارد، تعریف می‌کند (پاتریک، ۱۳۸۳).

1. Welfare
2. Pigou
3. Suler

جدول (۱) گویه‌های مربوط به سنجش عدالت اجتماعی ادراک شده

متغیر وابسته	ابعاد	گویه
عدالت اجتماعی ادراک شده	بازایی	در جامعه ما با همه به‌طور یکسان رفتار می‌شود.
		همه افراد جامعه از فرصت‌های آموزشی برابر جهت بروز استعدادشان برخوردارند.
	عدالت اقتصادی	اگر چنین قانونی تصویب شود که درآمدهای دولت به‌طور مساوی بین همه افراد تقسیم شود تصمیم خوبی است.
		منصفانه‌تر این است که میزان حقوق دریافتی افراد متناسب با نیاز آنها باشد.
		در تخصیص حقوق نباید ویژگی‌های فردی را دخالت داد و همه باید حقوق مساوی دریافت کنند.
		این منصفانه است که یک فرد متخصص به لحاظ مهارت فنی حقوق بیشتری دریافت کند.
		در وضعیت فعلی جامعه مردم به حداقل درآمد برای زندگی آبرومند دسترسی دارند.
		امروزه بیشتر مسئولیت‌ها و مشاغل مهم دولتی بر اساس صلاحیت و شایستگی به افراد سپرده می‌شود.
	عدالت توزیعی	بیشتر مردم در زندگی به چیزی دست می‌یابند که شایسته آن هستند.
		افراد زیادی بدون آنکه برای جامعه کاری انجام دهند چیزهای زیادی به‌دست می‌آورند.
		لااقل مایحتاج ضروری مثل خوراک باید به‌طور مساوی بین همه افراد توزیع شود.
		در جامعه ما، ثروتمندان هر سال ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند.
		خدمات مربوط به تحصیل و بهداشت با کمک دولت به‌صورت رایگان در اختیار همه قرار می‌گیرد.

در طول سالهای دهه ۱۹۸۰ این مفهوم، به این شکل تغییر کرد؛ که رفاه اجتماعی، به مجموعه اقدامات و خدمات گوناگون اجتماعی در جهت ارضاء نیازهای افراد و گروهها در جامعه و غلبه بر مسائل اجتماعی اطلاق می‌شد و در دهه ۱۹۹۰ رفاه اجتماعی، مجموعه

شرایطی تلقی شد، که در آن خشنودی انسان در زندگی مطرح است (ماکارو، ۱۳۷۸). در تعریف دیگری این واژه به معنی خوب بودن یا خوب شدن و در معنی وسیع تر حالتی از مناسب بودن است (میجلی، ۱۳۷۸). وام بلند مدت، قطعه زمین و منزل مسکونی، مشاوره خانوادگی، تسهیلات مالی، (کمک هزینه بلا عوض) و شرکت در سفرهای زیارتی - سیاحتی برای سنجش رفاه مورد استفاده قرار گرفته است.

۳) آموزش^۱ (متغیر مستقل): منظور از آموزش و پرورش یا به طور کلی آموزش، تعلیماتی است که طی برنامه‌های مختلف و رسمی دولتی به مردم داده می‌شود و در پایان آن مدارکی ارائه می‌گردد. استفاده از مدارس شاهد، استفاده از سهمیه کنکور، کلاسهای تقویتی، هدایای نقدی جهت موفقیت در امور تحصیلی، مشاوره تحصیلی، شهریه دانشگاه، ورود به دانشگاه و رشته‌های دانشگاهی برای سنجش این متغیر مورد استفاده قرار گرفته است.

۴) اشتغال^۲ و فرصتهای شغلی (متغیر مستقل): کار در معنای معمول آن، هر نوع اشتغالی است که پاداشی مالی بر آن مترتب باشد. از دست دادن کار خود به معنای سقوط در بیکاری است. این اصطلاح در معنای جمعی، مجموع فعالیتهای اقتصادی یک ملت را در ارتباط با افرادی که حائز شرایط کارند، در برمی‌گیرد (بیرو، ۱۳۸۰). در ادبیات کسب و کار، فرصت به شرایط و موقعیتهایی اطلاق می‌شود که می‌تواند به پیشرفت و توسعه منجر گردد (برجی، ۱۳۹۳).

۵) امکانات و خدمات بهداشتی (متغیر مستقل): بهداشت در تعریف، جامعیتی را در برمی‌گیرد که علاوه بر مراقبتهای بهداشتی - درمانی، آمیختگی و هماهنگی بخش اعظم اقتصادی - اجتماعی جامعه یعنی کشاورزی و دامپروری، نیرو، مسکن، کار، آموزش، ارتباطات و.. را شامل می‌شود و متکی بر مشارکت مردم است و می‌خواهد نیازهای اساسی بهداشت را به تقاضا و طلب جامعه تبدیل کند.

1. Education
2. Employment

جدول (۲) میانگین عدالت اجتماعی ادراک شده و ابعاد آن

فرزندان شاهد و ایثارگر (n=۱۲۰)	افراد غیرشاهد و ایثارگر (n=۱۹۰)		
۲/۶۷	۲/۲۲	برابری	ابعاد
۳/۷۱	۳/۲۲	عدالت اقتصادی	
۳/۳۱	۳/۱۵	عدالت توزیعی	
۳/۳۶	۳/۱۱	مقیاس کل عدالت اجتماعی ادراک شده	

بهداشت متضمن توزیع عادلانه منابع اجتماعی بین طبقات مختلف اجتماعی است، چون می‌خواهد امکانات بهداشتی را تا حد ممکن به محل کار و زندگی مردم نزدیک کند (سهیلی، ۱۳۸۵). بیمه، درمانگاه، مراکز بهداشتی برای سنجش این متغیر مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌ها

تعداد کل افراد مورد مطالعه بر اساس نمونه آماری برابر با ۳۱۰ نفر (۵۳/۵٪ افراد غیرشاهد و ایثارگر و ۳۴٪ فرزندان شاهد و ایثارگر) بوده است. از این تعداد، ۵۵/۵٪ را دختران و ۴۴/۵٪ را پسران تشکیل دادند. طبق یافته‌های به دست آمده ۲۰٪ از افراد دارای تحصیلات دیپلم، ۱۵/۵٪ فوق دیپلم، ۳۰٪ لیسانس و ۳۶/۵٪ فوق لیسانس بودند. همچنین ۲۸٪ پاسخگویان متأهل و ۷۲٪ مجرد بودند.

داده‌های جدول (۲) نشان می‌دهد که میانگین ادراک عدالت برای افراد غیرشاهد برابر با ۳/۱۱ و برای فرزندان شاهد و ایثارگر برابر با ۳/۳۶ می‌باشد. بنابراین درک هر دو گروه از عدالت اجتماعی متفاوت است. در بحث مربوط به عدالت اجتماعی ادراک شده و ابعاد آن در جامعه، سه بعد برابری، عدالت توزیعی و عدالت اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از بین آنها بعد عدالت اقتصادی دارای بیشترین اهمیت برای هر دو گروه است و میانگین بعد

عدالت اقتصادی برای فرزندان شاهد ($M=3/71$) اندکی بیشتر از میانگین به دست آمده برای افراد غیرشاهد ($M=3/22$) می باشد که نشان می دهد فرزندان شاهد به بعد عدالت اقتصادی و توزیع منابع مربوط به این بعد در سطح جامعه گرایش بیشتری داشته اند.

اطلاعات موجود در جدول شماره (۳) نشان می دهد افراد غیرشاهد و ایثارگر و فرزندان شاهد و ایثارگر نسبت به توزیع امکانات موجود در سطح جامعه نظری مشابه دارند؛ به این صورت که توزیع امکانات بهداشتی را عادلانه یا بسیار عادلانه دانسته و پس از آن امکانات آموزشی و رفاهی را دارای توزیع متوسط بین تمامی اقشار جامعه می دانند. اما توزیع منابع اقتصادی و فرصتهای شغلی را ناعادلانه و یا بسیار ناعادلانه دانسته اند.

با توجه به یافته های جدول (۴) مبنی بر رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته عدالت اجتماعی ادراک شده، نتایج زیر قابل اشاره است:

۱- بین تسهیلات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر و عدالت اجتماعی ادراک شده همبستگی مثبت و قوی وجود دارد ($r=0/670$ ، $p<0/05$)؛ به این صورت که با افزایش تسهیلات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر، میانگین عدالت اجتماعی ادراک شده نیز افزایش پیدا می کند و بالعکس.

۲- بین امتیازات آموزشی و عدالت اجتماعی ادراک شده همبستگی مثبت و البته ضعیف وجود دارد ($r=0/180$ ، $p<0/05$).

۳- بین فرصتهای شغلی و عدالت اجتماعی ادراک شده همبستگی مثبت و متوسطی وجود دارد ($r=0/490$ ، $p<0/001$).

۴- بین امتیازات رفاهی و عدالت اجتماعی ادراک شده همبستگی وجود ندارد ($r=-0/160$ ، $p>0/05$).

۵- بین امکانات بهداشتی و عدالت اجتماعی ادراک شده همبستگی مثبت و تقریباً متوسطی وجود دارد ($r=0/390$ ، $p<0/001$).

جدول (۳) میانگین توزیع امکانات جامعه

فرزندان شاهد و ایثارگر (n=۱۲۰)	افراد غیرشاهد و ایثارگر (n=۱۹۰)	
۳/۵	۳/۰۳	امکانات بهداشتی
۳/۱	۲/۶۶	امکانات آموزشی
۲/۶	۲/۳۳	امکانات رفاهی
۲/۰۶	۱/۷۵	فرصتهای شغلی
۲/۰۵	۱/۸۱	منابع اقتصادی

جدول (۴) آزمون رابطه بین تسهیلات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر و عدالت اجتماعی ادراک شده

p	r	متغیر وابسته	متغیرهای مستقل
<۰/۰۵	۰/۶۷۰	عدالت اجتماعی ادراک شده	تسهیلات ویژه فرزندان شاهد و ایثارگر
<۰/۰۵	۰/۱۸۰	عدالت اجتماعی ادراک شده	امتیازات آموزشی
<۰/۰۰۱	۰/۴۹۰	عدالت اجتماعی ادراک شده	امتیازات رفاهی
>۰/۰۵	-۰/۱۶۰	عدالت اجتماعی ادراک شده	فرصتهای شغلی
<۰/۰۰۱	۰/۳۹۰	عدالت اجتماعی ادراک شده	امکانات بهداشتی

بحث

از آنجا که عدالت اجتماعی یکی از موضوعات مهمی است که در طول تاریخ و در تمامی جوامع مورد توجه قرار گرفته و نظریات گوناگونی در حوزه‌های فلسفه، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در مورد آن مطرح شده است می‌توان گفت عدالت اجتماعی

به این معناست که با همه افراد به صورت یکسان رفتار شود و همه بر اساس لیاقت و شایستگی خود پادشاهی را دریافت کنند و امکانات جامعه به صورت برابر بین تمامی افراد تقسیم شود به طوری که همه بتوانند از این امکانات استفاده کنند. لذا در چنین جامعه‌ای که مردم بتوانند به اهداف انسانی و تأمین نیازها، امنیت، بهداشت و حقوق از دست رفته خود دست یابند عدالت اجتماعی به خوبی تفسیر شده است. حال اگر افراد نسبت به حقوق خود آگاهی نداشته باشند در برقراری و استقرار عدالت موفق نخواهند بود. توجه به خصوصیات و شایستگی افراد، نیازها، استعدادها، دادن امتیازات و برقراری توزیع مطلوب بهره‌مندی به حوزه عدالت اجتماعی مربوط می‌شود که در چارچوب قوانین مصوب و رسمی مشروعیت پیدا می‌کند.

بحث عدالت اجتماعی در نظریات مختلف ذکر شده و اندیشمندان بسیاری در مورد آن اظهار نظر کرده‌اند؛ چنانچه ارسطو، راولز و والتزر معتقد بودند که امکانات جامعه باید به صورت برابر و عادلانه توزیع شود و همه افراد باید از مزایا و مواهب اجتماعی بهره‌مند شوند برای اثبات این ادعا می‌توان از نظریات جامعه‌شناسانی چون ویلیامز و رانسی من استفاده کرد چرا که آنها معتقدند بی‌عدالتی زمانی در جامعه شکل می‌گیرد که افراد از آنچه در جامعه تعیین شده هیچ بهره‌ای نبرند یا امکانات کمتر از حد معمول نصیب آنها شود در نتیجه خود را با دیگران مقایسه کرده و دچار احساس محرومیت می‌شوند. آنچه در رابطه با این پژوهش باید در نظر داشت این است که احساس تعهد و تعلق به کشور یکی از ویژگیهای ارزنده‌ای است که اجازه می‌دهد ایران در عرصه بین‌المللی در بین رقابتهای سخت و در دام تحریمهای شدید اقتصادی، همچنان به‌عنوان یک تمدن بزرگ به حیات خود ادامه دهد و بهتر است گفته شود این حس را آنانی در تاروپود این کشور تزریق کردند که گرانبمایه‌ترین داشته خود یعنی جانشان را گرو گذاشته و در جنگ طولانی و طاقت فرسا شرکت نمودند پس در اینجا لازم است تمام ایرانیان به پاس ادای دین به این نوع خدمت‌گذاری و به‌خاطر داشتن احساس آزادی، خانواده‌های آسیب دیده فعالان جنگ

را همه جانبه حمایت نمایند. در این پژوهش سعی شده است در رابطه با تسهیلات فرزندان شاهد و ایثارگر و عدالت اجتماعی ادراک شده به کشف روابط معنادار موجود بین دو متغیر پرداخته شود که نتایج نشان داد بین این دو متغیر رابطه مثبت وجود دارد.

در مورد امتیازات آموزشی فرزندان شاهد و ایثارگر به نظر می‌رسد به دلیل مسائل و مشکلاتی که فرزندان شاهد و ایثارگر (به‌خاطر فقدان پدر و سرپرست خانواده، وجود بیماریهای مختلف ناشی از جنگ جهت بازماندگان فعال جنگ (جانبازان) و مشکلات رفتاری سرپرستان خانواده‌ها) دارند، کاملاً مشهود است که مانند سایر افراد نمی‌توانند بدون دغدغه تحصیل کنند و با مشکلات ناشی از جنگ باید دست و پنجه نرم کنند پس وجود تسهیلات آموزشی کاملاً ضروری به نظر می‌رسد و حتی بهتر است دولت با سرمایه‌گذاریهای مختلف در طول تحصیل (کلاسهای تقویتی با کیفیت بالا، مشاوره تحصیلی و...) آنان را یاری رساند. شاید احتیاطی که در جامعه برای پذیرش این فرضیه وجود دارد ناشی از نپذیرفتن قسمتی از این امتیاز از سوی مردم است. از آنجا که یکی از اصول اساسی عدالت اجتماعی تأکید بر شایسته‌سالاری در جوامع امروزی است و کلیه امتیازات در بسیاری از نقشهای مهم دولتی و کشوری برداشته و تنها صلاحیت افراد تعیین‌کننده خط مشی آنها در جوامع امروزی است؛ لازم است گفته شود پس از بررسیهای به عمل آمده به نظر می‌رسد مردم کلیه خدمات آموزشی که شامل کلاسهای تقویتی، مشاوره تحصیلی، وجود مدارس فرزندان شاهد و تأمین شهریه کلیه دانشگاهها را پذیرفته‌اند اما در خصوص سهمیه کنکور دچار تردید بوده‌اند و در این راستا توصیه می‌شود در کشور شرایطی حاکم گردد که دولت با سرمایه‌گذاری بیشتر قبل از برگزاری آزمون کنکور این افراد را جهت شرکت در کنکور آماده نموده تا در شرایطی برابر با سایرین در دانشگاهها پذیرفته شوند و بدین‌صورت اصل شایسته‌سالاری به‌عنوان اصل مهم عدالت اجتماعی در بحث آموزشی کشور نهادینه گردد.

همچنین امتیازات رفاهی خاصی که در قانون اساسی کشور برای خانواده‌های شاهد و

ایثارگر در نظر گرفته شده است مثل وام بلند مدت، مسکن یا زمین، تسهیلات مالی بلا عوض، مشاوره خانواده، سفرهای زیارتی و سیاحتی، عدم پرداخت هزینه بلیط اتوبوس و مترو داخل شهری، معافیت فرزندان ذکور از خدمت سربازی، تسهیلات لازم جهت خرید خودرو، مساعدت در امر ازدواج، هدیه ازدواج و... می‌باشد لذا طبق این فرضیه می‌توان گفت رفاه و آسایش خانواده‌های شاهد و ایثارگر یکی از مواردی است که مردم کشور ما آنرا پذیرفته‌اند. لذا خود را ملزم می‌دانند که وجود امکانات رفاهی را حق این خانواده‌ها بدانند.

جهت تبیین رابطه فرصت‌های شغلی با عدالت اجتماعی ادراک شده از سوی مردم با واقعیت‌های موجود در جامعه لازم است ابتدا در خصوص تعریف بیکاری مطلبی آورده شود. بیکار یعنی کسی که از وسایل تولید جدا شده و در سازمان اجتماعی کار نقشی ندارد و از ثروت اجتماعی محروم شده است. بر اساس تحقیقات انجام شده در کشور ایران یکی از پدیده‌هایی که در ایجاد بیکاری نقش مهم داشته، مسأله تحریم اقتصادی است زمانی که صحبت از تحریم می‌شود معمولاً بخش‌های دولتی تحریم می‌شوند و در کشور ایران نیز در بخش دولتی تحریم اقتصادی موجب از بین رفتن فرصت‌های شغلی شده است در حالیکه اگر فعالیت‌های بخش خصوصی به معنای واقعی اجرا شود تحریمها تأثیر کمتری خواهند داشت و شرکتها راحت‌تر می‌توانند برای بی‌اثر کردن تحریم هرگونه تصمیمی بگیرند و از توان‌مندی‌های خود استفاده کرده و تحریم را خنثی کنند. در این راستا باید به عوامل تشدیدکننده بیکاری در ایران نیز اشاره‌ای کوتاه داشته باشیم که عبارتند از: تشدید تورم، افزایش دستمزدها و در نتیجه زیاد هزینه‌های سرمایه‌ای و هزینه‌های تولیدی، وابستگی به مواد خام اولیه و... (ویستا، ۱۳۹۳).

کلیه عوامل فوق موجب گردیده در کشور پدیده بیکاری یک مشکل اساسی باشد و هم فرزندان شاهد و ایثارگر و هم افراد غیرشاهد و ایثارگر با این مسأله رو به رو هستند. بر اساس ماده ۴۸ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ «کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، سازمان صدا و سیما

جمهوری اسلامی ایران و کلیه سازمانها و شرکتهایی که به نحوی از انحاء از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند و نیز کلیه مؤسسات و شرکتهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند یکی از فرزندان کارکنان شهید، جانباز بیست و پنج درصد به بالا و آزاده (اعم از شاغل، فوت شده و یا از کار افتاده) را که واجد شرایط عمومی استخدام می‌باشند علاوه بر سهمیه استخدامی ایثارگران در همان دستگاه استخدام نمایند. با توجه به بررسیهای انجام شده و صحبت با مسئولان بنیاد شهید و امور ایثارگران، تنها یک چهارم از استخدام‌های دولتی متعلق به فرزندان شاهد و ایثارگر می‌باشد و تنها در صورت احراز شرایط عمومی استخدام در مشاغل دولتی پذیرفته خواهند شد. پس در رابطه با رد شدن فرضیه فوق که امتیازات مربوط به شغل را بررسی نموده و به اثبات هم نرسیده است، می‌توان گفت دلیل اصلی آن نه به خاطر عدم پذیرش مردم و یا تلقی امتیاز شغلی به‌عنوان بی‌عدالتی از سوی مردم بلکه در خصوص این امتیاز باید گفت شرایط حاکم موجود بر کشور چنین عدم رضایتی را در مورد این امتیاز به وجود آورده است.

در رابطه با امتیازات بهداشتی (انواع بیمه، درمانگاههای تخصصی، تأمین تمامی هزینه‌های بهداشتی و درمانی و...) به نظر می‌رسد کشور ما در این زمینه کاملاً موفق عمل نموده و وجود این امتیازات برای خانواده‌های شاهد و ایثارگر از سوی مردم پذیرفته شده است.

در مورد توزیع امکانات و منابع موجود در جامعه، متغیرهای امکانات بهداشتی، آموزشی، رفاهی، فرصتهای شغلی و منابع اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. میانگین به‌دست آمده برای متغیرها نشان داد که میانگین امکانات بهداشتی نسبت به امکانات آموزشی، رفاهی، فرصتهای شغلی و منابع اقتصادی در سطح بالاتری قرار دارد و توزیع فرصتهای شغلی و منابع اقتصادی نسبت به بقیه پایین‌ترین میانگین را داشتند. پاسخگویان در این زمینه معتقد به توزیع ناعادلانه مشاغل و منابع اقتصادی در سطح جامعه بودند در حالی که توزیع امکانات بهداشتی را عادلانه یا بسیار عادلانه می‌دانند. البته میانگین به‌دست

آمده برای فرزندان شاهد و ایثارگر نسبت به افراد غیرشاهد بیشتر است. در تحقیقی که رضاپور (۱۳۷۵) انجام داده است نیز چنین نتیجه‌ای مشاهده می‌شود؛ و جوانان توزیع منابع اقتصادی جامعه را ناعادلانه تلقی کرده‌اند. همچنین میرسندسی (۱۳۷۵) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که ۵۰٪ از افراد توزیع درآمد و منابع اقتصادی جامعه را ناعادلانه یا بسیار ناعادلانه دانسته‌اند. از نتایج به عمل آمده از پژوهش حاضر نیز چنین برداشت می‌شود که در این پژوهش هم افراد به ناعادلانه بودن منابع اقتصادی جامعه اشاره کرده‌اند. در نهایت با توجه به نتایج تحقیق میرسندسی (۱۳۹۰) می‌توان گفت عدالت در سطح اجتماعی عمدتاً به روابط ساخت‌یافته درون یک جامعه که به موجب آن حق یا میزان برخورداری افراد بر حسب ویژگیهای مختلف فردی، اعم از ویژگیهای اکتسابی یا انتسابی از منابع کمیاب جامعه و یا حمایت‌های قانونی مشخص می‌شود باز می‌گردد و اینکه تا چه اندازه این روابط به عدالت نزدیک است و یا برعکس متضمن بی‌عدالتی می‌باشد. این وجه از عدالت در بین عامه تحت عنوان «عدالت اجتماعی» شناخته شده‌تر است. چگونگی توزیع فرصتها، وضع قوانین، توزیع منابع اقتصادی، سیاسی و نحوه بهره‌مند شدن افراد جامعه بر حسب ویژگیهای مختلفشان از جمله قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و... از مهم‌ترین مواردی است که در این سطح و به‌عنوان مهم‌ترین خصیصه‌های یک جامعه در ارتباط با عدالت مورد توجه قرار می‌گیرد و علاوه بر اهمیت خود مسأله عدالت، پیامدهای آن نیز برای جامعه در ابعاد مختلف بسیار واجد اهمیت است. همچنین معتقد است که عدالت یعنی در عین توجه به برآورده شدن نیازهای مردم، نبایستی به استحقاق و شایستگیهای افراد بی‌توجهی شود. نتایج پژوهش حاضر در درک عدالت اجتماعی با نتایج پژوهش میرسندسی (۱۳۹۰) نیز مشابه است.

پیشنهادها

به دلیل اینکه در جامعه انتخابها و انتصابهای مهم بر اساس اصل شایسته‌سالاری یک

نوع عدالت محسوب می‌شود؛ پیشنهاد می‌شود که در انتخاب رشته‌های بالای کنکور این اصل رعایت شود. این مسأله کمک می‌کند اولاً فکر سایر مردم به قبولیهای سهمیه شاهد و ایثارگر دچار سوءتفاهم نشود و ثانیاً فرزندان شاهد از دید حساس و بدبین سایر افراد در امان بمانند. پیشنهاد می‌شود در این راستا بنیاد شهید و ارگانهای وابسته قبل از کنکور جهت آموزش بهتر این عزیزان سرمایه‌گذاری کنند. از جمله اینکه کلاسهای تقویتی با کیفیت بالا جهت آنها تشکیل داده و آنها را به‌صورت رایگان هدایت نمایند.

بر اساس تحقیقات انجام شده بهتر است جهت کلیه فرزندان شاهد و ایثارگر در امر تحصیلات امکانات بهتری در نظر گرفته شود. آنچه که امروز در رابطه با تحصیلات برای این افراد وجود دارد در طرحهای شاهد نسبتاً جالب است ولی در طرحهای پراکنده این افراد در مدارس معمولی درس می‌خوانند که فقط هفته‌ای دو ساعت یک راهنما با آنها ارتباط دارد و تنها پرسشهایی از نمرات و وضعیت آنها می‌کند و گاه دیده شده که این افراد با وجود مشکلات بزرگ به دلیل عدم وجود ارتباط مستمر با فرد راهنما، آنرا پنهان می‌نمایند و در مقاطع بالاتر تحصیلی سطح قبولی آنان بسیار اندک است و اکثراً ترک تحصیل می‌کنند و در جامعه به حال خود رها می‌شوند پس پیشنهاد می‌شود که مراکز فنی و آموزشی برای فرزندان شاهد و ایثارگری که وارد دانشگاه نمی‌شوند سرمایه‌گذاری لازم را انجام دهد و آنها را جهت یادگیری فن و حرفه آماده نموده و سپس وارد بازار کار نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

- قرآن کریم
- اخوان ارمکی، ع. (۱۳۸۲). *عدالت از دیدگاه استاد مطهری. مجموعه مقالات برگزیده همایش عدالت اجتماعی و امیرالمؤمنین (ع)*. به کوشش محمد حسین رضایی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین.
- اخوان کاظمی، ب. (۱۳۷۹). *عدالت در اندیشه سیاسی در غرب. مجله حکومت اسلامی*، شماره ۱۵۳ و ۱۵۴، ۶۸-۷۵.
- برجی، بی. نام. (اردیبهشت ۱۳۹۳). *راه‌های شناسایی فرصت‌های شغلی مناسب*. دسترسی در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۴ از: [www. Ecityalborz. ir/modules. ph](http://www.Ecityalborz.ir/modules.php)
- باقری، ف. (۱۳۸۵). *عدالت اجتماعی در گستره جهانی*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- بیرو، آ. (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی، انگلیسی، فرانسه، فارسی*. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پاتریک، ت. ف. (۱۳۸۳). *نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)*. ترجمه هرمز همایون پور، تهران: انتشارات گام نو.
- رفیع پور، ف. (۱۳۷۰). *جامعه روستایی و نیازهای آن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سهیلی، ث. (۱۳۸۵). *بهداشت برای همه و مراقبت‌های بهداشتی اولیه*. تهران: دانشگاه علوم پزشکی.
- شاه‌وردی، ت. (اسفند ۱۳۹۲). *چگونگی تکریم رزمندگان در سایر ملل*. دسترسی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ از: [www. ensani. ir](http://www.ensani.ir)
- شاهجویی، م. ا. (۱۳۷۵). *بنیان مرصوص امام خمینی در بیان و بنان حضرت آیت‌الله جوادی آملی*. تهران: اسراء.
- صلیبا، ج. (۱۳۷۰). *واژه نامه فلسفه و علوم اجتماعی*. ترجمه کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طغیانی، م. (۱۳۸۱). *عدالت اجتماعی از دیدگاه متفکر شهید مرتضی مطهری. فصلنامه حقوق اسلامی*، شماره ۶ و ۷، ۲۲-۲۹

- (۱۳۷۱). *کنفرانس بررسی دفاع مقدس*. به کوشش محمد قاسم فروغی جهرمی، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس.
- گستون، ب. (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی جنگ*. ترجمه فریدون سرمد، تهران: انتشارات معین.
- گل پرور، م. و عریضی، ح. (۱۳۸۵). مقایسه نگرش زنان و مردان اصفهانی نسبت به دنیای عادلانه برای زنان و مردان. *نشریه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۱۶، ۹۵-۱۱۴.
- گلستانی، ص. (۱۳۸۵). جایگاه عدالت اجتماعی در اسلام. *فصلنامه مریبان*، شماره ۲۱، ۴۰-۶.
- متقی راد، م. (۱۳۷۸). اهداف و راهکارهای عملی عدالت اجتماعی از منظر امام خمینی. *فصلنامه پژوهشهای مدیریت راهبردی*، شماره ۱۹ و ۲۰، ۱۸-۳۳.
- ماکارو، د. (۱۳۷۸). *رفاه اجتماعی (ساختار و عملکرد)*. ترجمه محمدتقی جغتایی و فریده همتی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مردانی، ح. (۱۳۸۶). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر احساس بی‌عدالتی در بین معلمان شهر زنجان*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- مطهری، م. (۱۳۵۷). *عدل الهی*. چاپ دهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مطهری، م. (۱۳۶۷). *پیرامون انقلاب اسلامی*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات صدرا.
- میجلی، ج. (۱۳۷۸). *رفاه اجتماعی در جهان*. ترجمه محمدتقی جغتایی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- میرسندسی، س. م. (۱۳۷۵). *عوامل مؤثر بر درک مردم از عدالت و رابطه آن با برابری (نابرابری): مطالعه موردی شهر مشهد*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- میرسندسی، س. م. (۱۳۹۰). *چشم انداز جامعه‌شناسی به عدالت*. تهران: تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- میرطاهری، س. م. (۱۳۸۷). *عدالت از دیدگاه افلاطون*. قابل مشاهده در www.harif.ir

- می‌یر، پ. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی جنگ و ارتش*. ترجمه محمد صادق مهدوی و علیرضا ازغندی، چاپ دوم، تهران: قومس.
- واعظی، الف. (۱۳۸۴). عدالت صوری، عدالت محتوایی، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال هشتم، شماره‌ی ۲۹، ۸۵-۹۸.
- واعظی، الف. (۱۳۸۸). *نقد و بررسی نظریه‌های عدالت*. قم: مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی.
- Barry, B. (1989). *Theorie of Justice*. London: Harrester Wheatsheaf Press.
- Cook, C. , Fine G. & House, J. S. (1995). *Sociology Perspective on Psychology*. Boston & Bacon.
- Graham, G. (1989). *Contemporary Social Philosophy*. Oxford: Blak Well Press.
- Jackson, B. (2005). *The Concepts History of Social Justice*. Political Studies Review, Vol. 3. , 356-373.
- Mateju, P. & Rehakova, B. (1992). *From unjust Equality to hust Inequility. Sociologicky Casopis*, Vol. 28, No. 3, 293-318.
- Nots, W. et al. (1987). *Arbitration and Distributive Justice*. Journal Aplied Psychology, Vol. 72, No. 3, 359-365.
- Sheplak, N. & Alwin, D. F. (1986). *Belifes About IneQuality and Perceptions of distributive justice*. A. S. R, Vol. 51, 30-46.
- Syme, G. J. & Nancarrow, B. E. (20020). *Social justice and environmental management: Au introduction*. Social Justice Research, 343-347.
- Robinson, R. & Bell. W. (1978). *Equality, Success and Social justice in England and The United states*. A. S. R, Vol. 43:125-143

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی